

جنگهای آمریکا و دستکاری شعور

<http://www.fondsk.ru/news/2013/04/04/voiny-usa-i-manipuljacija-soznaniem-19882.html>

۱۰ اردیبهشت - ثور ۱۳۹۱

مترجم مطلب حاضر، بنا به عادت همیشگی، آن را دستمایه خود قرار داده و روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی کارگران جهان را به همه کارگران و زحمتکشان میهن و جهان، به خلقهای تحت ستم همه مستعمرات، به مردم همه کشورها که زیر حملات نظامی- تروریستی، بمبارانها و انفجارهای کور امپریالیستی ضجه میکنند، به همه کنشگران و مبارزان راه آزادی بشریت از زیر یوغ ارتجاع سرمایه داری و با یقین به گسستن قریب الوقع زنجیرهای پوسیده اسارت، تبریک و تهنیت عرض نماید.

کارگران و زحمتکشان همبستگی تان مستحکم تر باد!

خبرنگار کانال تلویزیون آمریکائی CNN، امبر لاین (Amber Lion)، در آخر ماه مارس بیانیه مهیجیمبنی بر اینکه دستور پخش اخبار جعلی و مسدود کردن اطلاعات ناخوشایند برای دولت آمریکا به کارکنان کانالهای تلویزیونی داده شده، صادر کرد. بگفته این خبرنگار، رسانه های آمریکائی هم اکنون نیز اخبار را «همانطور که در مورد عراق اتفاق افتاد»، تحریف میکنند. از سوریه و ایران هیولا میسازند، اذهان اجتماعی را برای جنگ علیه این کشورها آماده میکنند...



۱. لاین اظهار داشت، که کارکنان CNN به ازای جعل اخبار از دولت آمریکا حق الزحمه دریافت میکنند. او همچنین، نگرانی خود را از سر به نیست شدن خبرنگاران مستقل، که فعالیت آنها با خط مشی کاخ سفید همخوانی ندارد، اعلام کرد. بر اساس گزارشات خبری، آنها احتمالاً دستگیر شده و به اتهام تروریسم تحت شکنجه قرار گرفته اند.

واضح است، بهترین دروغها از نیمه حقیقت ساخته میشوند. در ساخت این محصول، هالیوود موفقیت‌های ویژه‌ای کسب کرد. تاریخچه همکاری پنتاگون (وزارت جنگ آمریکا) و هالیوود از سال ۱۹۲۷، از ساختن فیلم صامت «بال» آغاز شد. امروز تشکیلات نظامی آمریکا از هر وسیله ممکن برای کمک به «کارخانه رؤیاهای» استفاده میکند.

بر اساس قوانین آمریکا، پنتاگون، مثل سازمان سیا، از حق تبلیغات در داخل کشور برخوردار نیست. با این وجود، راه‌گریز یافته‌اند. در سال ۲۰۰۱ کارشناس سیاسی شخصی رئیس‌جمهور آمریکا، ک. روف با مدیران کمپانیهای تلویزیونی و استودیوهای سینمایی دیدار کرد. بیش از ۵۰ تن از مدیران ارشد «جهان تخیلات»، از جمله نمایندگان ABC, CBS, NBC, VNN, Fox, HBO، «کلمبیا پیکچرز»، «مترو گلدوین پایر»، «سونی پیکچرز»، «دریموورکس»، «فوکس قرن بیستم»، «اونیورسال پیکچرز»، «وونر برادرز»، «پارامونت پیکچرز»، «ویاکوم» و سایرین در این دیدار حضور داشتند. «تشریک مساعی در مبارزه علیه تروریسم، سمت اصلی همکاری دولت آمریکا با هالیوود در عرصه اطلاعات میباشد».

آمریکائیه‌ها برای نشر اخبار جعلی از طریق رسانه‌های خارجی، قبل از همه اروپائی (مثلاً، رویترز و خبرگزاری فرانسه)، تا حد اکثر ممکن کمک می‌کنند. بویژه اینکه چند سال پیش نیویورک تایمز در گزارشی تأیید کرد که این ابتکار به شعبه تأثیرگذاری راهبردی، یعنی یگان ویژه کوچکی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در ساختار پنتاگون تشکیل گردید، تعلق دارد. وظیفه آن، استفاده از روشهای «سیاه» جنگ اطلاعاتی برای آماده‌سازی مخاطبان خارجی از راه نشر اطلاعات نادرست بوسیله خبرنگاران خارجی، بخصوص، خبرنگاران «کشورهای دوست و متحد آمریکا» می‌باشد.

جنگ در افغانستان و عراق، میدان آزمایش نه تنها جدیدترین تسلیحات آمریکائی، حتی میدان کاربست پیشرفته‌ترین تکنولوژی دستکاری شعور بود. برای این منظور، به سفارش پنتاگون ویدئو فیلمهائی اغلب بر اساس الگوهای که تهیه‌کنندگان هالیوودی سازنده شوهای تلویزیونی و فیلمهای سینمایی ارائه میدهند، ساخته میشود. د. بروکهایمر، تهیه‌کننده فیلمهای جنگی معروف («سقوط عقاب سیاه»، «پرل هاربر» و سایر) پیش‌آهنگ این کار بود. سریال تلویزیونی گویا مستند او با عنوان «تصاویری از جبهه» در خصوص سربازان آمریکائی در افغانستان، در زمان خود از پشتیبانی وزیر دفاع (وزیر جنگ) آمریکا برخوردار شد.

روزنامه انگلیسی ایندیپندنت در سال ۲۰۰۶ گزارش داد، که دولت آمریکا نه تنها از تولیدات سینمایی، حتی از اخبار جعلی تلویزیونی نیز وسیعا استفاده میکند. از آن جمله، متخصصان سازمان غیرانتفاعی «مرکز مطبوعات و دموکراسی»، پس از زیر نظر گرفتن برنامه های ۷۷ کانالی تلویزیونی به مدت ۱۰ ماه، که بیش از نیمی از جمعیت آمریکا آنها را میبینند، به این نتیجه گیری رسید که «کمپانیهای تلویزیونی آمریکا برنامه های خبری خود را با ویدئوفیلمهایی پر میکنند، که توسط دولت و شرکتهای بزرگ ساخته شده اند... بخصوص اینکه سازندگان چنین فیلمهای سفارشی، تولید اخباری را آموخته اند، که هیچ تفاوتی با گزارشهای منتشره از سوی نویسندگان مستقل ندارند».

در اینجا میتوان یک برنامه تلویزیونی را که در زمان خود نقش عظیمی در جلب افکار عمومی آمریکا برای حمایت از جنگ اول خلیج فارس بازی کرد، یادآوری نمود. در این برنامه، یک دختر ۱۵ ساله، بعنوان فراری از کویت میگوید، که کشتار ۱۵ نوزاد کویتی بدست سربازان عراقی در زایشگاه را به چشم خود دیده است. جالب است که مصاحبه با این دختر را تلویزیونهای آمریکائی صدها بار نشان دادند. نام این دختر را که گویا خانواده اش در وطن مانده و خودش ممکن است بدست سربازان صدام حسین بیافتد، اعلام نکردند. برای درک مفهوم این برنامه، اضافه می کنیم، که در مدت ۴۰ روز تبلیغات جنگی، رئیس جمهور جورج بوش پدر، ۱۰ بار در قتل نوزادان صحبت کرد. در نهایت ثابت شد که دختر مصاحبه کننده در تلویزیون، نه فراری، بلکه، دختر سفیر کویت در آمریکا بوده است. علاوه بر آن، او از وابستگان خانواده سلطنتی حاکم بر کویت میباشد، همه خویشاوندان او ثروتهای هنگفتی در خارج دارند و در غرب مقیم هستند...

نیویورک تایمز حتی قبل از انگلیسی ها، در بهار سال ۲۰۰۵ پنتاگون و دولت آمریکا را به انتشار سوژه های سفارشی در کانالهای تلویزیونی آمریکا متهم کرد. بگزارش رسانه های جمعی آمریکا، این نوع موضوعات سفارشی را که همچون گزارشات خبری بنظر می رسند، در مجموع، ۲۰ نهاد دولتی آماده می کنند. بنا به گزارش نیویورک تایمز، پنتاگون و دفتر ثبت احوال آمریکا «صدها گزارش خبری این چنینی را جعل کرده و منتشر نمودند». در یکی از این نوع فیلمهای خبری گفته میشد که «مردم آزاد شده عراق از دست رژیم صدام حسین» با فریادهای «متشکریم بوش! متشکریم آمریکا!» از سربازان آمریکائی استقبال میکردند. اما تحقیقات بعدی نشان دادند که سازنده «قهرمان» این فیلم (از قضا، آمریکائی اصیل) آن را نه در بغداد، بلکه در کانزاس سیتی ساخته است...

باز هم چند نمونه دیگر. در زمان جنگ در اوستیای جنوبی، خبرنگاران کانال تلویزیونی «راشا تو دی» (روسیه امروز) در شهر تسخینوالی، تصاویر جعلی کانال CNN دایر بر ویران شدن شهر

گوری را فاش کردند. همچنین، در جنگ اطلاعاتی علیه روسیه در ماه اوت سال ۲۰۰۸، خبرگزاری رویترز از تصاویر ساختگی استفاده میکرد. در هر دو تصویر (پائین) یک «مرد مرده» در دو حالت مختلف و در دو مکان متفاوت ترسیم شده است. مرد دوم (یک مرد دیگر، در هر دو تصویر)، در تصویر اول، با لباس سیاه، ایستاده در کنار جسد تظاهری و در تصویر دوم، نیمه برهنه، شلوار جینس برنگ دیگر بر تن، ولی نشسته و گریه میکند، در ضمن، چون «متوفی» شلوارش را عوض نکرد، خود را با روانداز پوشاند...



گروه های ویژه متشکل از چنین «مردگان سیار» یکی از اصلی ترین نقشها را در جنگ اطلاعاتی علیه لیبی بازی کردند. متناسب با اوضاع، آنها در خیابانهای شهرهای قطر یا ترکیه، گاهی در نقش «قربانیان رژیم قذافی»، زمانی دیگر، در نقش «شورشیان قهرمان» در مقابل دوربینهای خبرنگاران غربی قرار گرفتند. پس از لیبی، «مردگان زنده» از سوریه، این بار در نقش «قربانیان رژیم اسد» سر درآوردند. در اینجا تصاویری از گزارشات مختلف، «گزارشات» بسیار خوب کارگردانی شده از سرکوبی های «رژیم سرکوبگر سوریه» در حمص را، که در واقع یکی هستند، می بینید (لطفا، تصاویر مربوط به این مطلب را در پیوند اصلی یا در وبلاگ مترجم ببینید). قهرمان اصلی آنها، همان شخص «متوفی»، فلسطینی، بنام خالد ابو صالح است. او در سوریه (و نه تنها در سوریه) بعنوان یکی از کنشگران پیشرو تبلیغات اپوزیسیون شناخته میشود...

محل عکس

همانطور که مدیر اداره اطلاعات وزارت دفاع آمریکا، ت. ویلسون در سال ۲۰۰۲ اظهار داشت، جنگهای آینده در راه جهانی سازی، مساوی با آمریکائی سازی، پیش برده خواهد شد، و هدف

اصلی آن، ترویج ارزشهای آمریکائی است. بعبارت ساده تر، حتی هر تهدید علیه تصور آمریکائی از نظم نوین جهانی، به یک دلیل برای شروع جنگها بدل خواهد شد.

بالاخره، نتایج شگفت انگیز نظرسنجی بعمل آمده از شهروندان آمریکا در ماه اوت سال ۲۰۰۳ در رابطه با جنگ عراق را میتوان یادآوری نمود. آن وقتها ۶۹ درصد نظردهندگان به باور خود مبنی بر اینکه صدام حسین شخصا در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ شرکت داشته، اعلام کردند. و این در حالی بود که کاخ سفید حتی یک مدرک دال بر رابطه عراق و «القاعده» که بنا به بیانات رسمی حملات را انجام داد، ارائه نداد. آیا این بدان معنا نیست که هر برنامه دلخواه را، هر مزخرفی را میتوان به انسان غرب قبولاند؟ معلوم است، که بله. و اما آخری، بخصوص تأییدیه هشدار دهنده: از اواخر ماه ژانویه سال ۲۰۱۳ رسانه های جمعی غرب با افسانه های دلخراش در باره گرسنگان کره شمالی، که گویا کودکان و اجساد نزدیکان خود را از قبر بیرون میکشند و میخورند، پر شد. واشنگتن پست، ساندی تایمز، ایندیپندنت، دیلی میل بطور جدی در این خصوص مینویسند... مفسران هم معتقدند، که همه اینها افسانه «نوزدان تکه-پاره شده کویت بدست سربازان عراقی» را که پیش درآمد جنگ ۱۹۹۱ خلیج بود، یادآوری میکنند...

یادآوری چند نکته در ارتباط با همین مطلب:

نکته اول- تحلیلگران و محققان بلوک شرق سابق، بخصوص روس زبان، حقه بازیها، صحنه سازیها، نشر اخبار جعلی و اکاذیب، توطئه ها و دسایس غرب، بویژه امپریالیسم آمریکا در کشورهای مختلف را بسیار مستدل و مستند بررسی و افشاء می کنند. اما، جای تعجب این است که اغلب آنها در ارتباط با مصایبی که غرب، بخصوص آمریکا با کاربرد همین روشهای فوق الذکر، بیست و اندی سال پیش، بر سر خلقها و کشورهای خودشان آوردند، علیرغم اینکه عمدتا شاهد عینی آن حوادث و یکه تازی «شورشیان انقلابی» بوده اند، سکوت میکنند.

نکته دوم- روش استفاده از «مردگان سیار» و «ناجیان بشردوست» در ایران نیز در حوادث بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ بکار گرفته شد. از جمله آنها، میتوان «قتل» ندا آقاسلطان در یک خیابان خلوت دور از محل اعتراضات، قهرمان سازی او و ورود مشکوک یک دانشجوی مشغول به تحصیل علم طب در انگلیس بنام آرش حجازی یک روز پیش از حادثه به ایران، مشاهده تیر خوردن ندا خانم از پنجره، اقدام سریع ولی «بی سرانجام» برای نجات «مقتول» و بالاخره، بازگشت فوری وی به لندن و مصاحبه با کمپانی دروغپراکنی بی بی سی را یادآوری کرد.

نکته سوم- مترجم سطور فوق بر این باور است که همه بشریت جهان بااستثنای عده کم شمار کودنهای ساده لوحان، حتی مغرضان، مداحان و پیروان سیاستهای غرب امپریالیستی تردید

ندارند که تمام جنگهای آمریکا از ابتدا پیدایش تا روز امروزی که در اقصا نقاط عالم درگیر جنگهای مرئی و نامرئی، تروریستی- نیابتی، استعماری- اشغالگرانه بر مبنای شیادی، حوادث ساختگی و از قبل برنامه ریزی شده، حقه بازی، فریبکاری، دستکاری اذهان عمومی، زورگویی و باجگیری، توطئه و دسیسه و غیره بوقوع پیوسته است. با این درک، این سؤال پیش میآید، پس چگونه است که نیروهای آگاه، مطلع و مترقی جهان تاکنون نتوانسته اند جلوی ترک تازی امپریالیسم هار آمریکا را بگیرند؟ بنظر میرسد این موضوع علل متعددی دارد که اهم آنها عبارت است از:

- سلطه روحیات تسلیم طلبی و عافیت خواهی بر جوامع انسانی؛
- ناتوانی آگاهان، قبل از هر چیز، در توضیح و تشریح دغلکاریهای غرب و آمریکا؛
- گریز از مبارزه سازمانیافته و رشد فردگرائی؛
- سقوط و انحطاط عقلانیت و شعور اجتماعی؛
- ولنگاری، بی مسئولیتی و بی اعتنائی نسبت به سرنوشت انسان و کشور؛
- بخشی از نیروهای انقلابی جهان، توطئه، دسیسه، زورگیری، فریبکاری، شیادی، باج خواهی و، جعل اخبار و نشر اکاذیب، ایجاد حوادث با برنامه قبلی مثلا: حوادث خلیج نونکن و خوکها، یا حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و حادثه انفجار منجر به مرگ سه نفر در هفته گذشته در بوستون ... را نتیجه برنامه ریزی علمی و عمل عقلانی می‌شمارند و طراحان و مبتکران این روشها و حوادث را عقلا تصور میکنند که خود این، بخش اعظم نیروهای پیشرو جامعه را از مبارزه قاطع علیه امپریالیسم باز میدارد و آنها را خواه ناخواه به تأیید سیاستها و برنامه های «علمی عقلا» و حقانیت بخشیدن به «پیروزیهای» آمریکا (کشتار میلیونی خلقها، اشغال، ویرانی و غارت کشورها) وامیدارد.

• همه عبارات برنگ آبی در متن اصلی، از مترجم است.

مترجم